



## از تحریک قومیت‌گرایی ضدایرانی جمهوری آذربایجان تا هم‌آغوشی با بقایای سلطنت پهلوی

جمهوری آذربایجان در یکی از جدیدترین اقدامات ضدایرانی نمادین خود، یکی از بازماندگان سلطنتی رژیم سابق را به مراسم رسمی سفارت این جمهوری در واشنگتن دعوت کرد.

**به گزارش آران نیوز به نقل از تسنیم**، جمهوری آذربایجان در یکی از جدیدترین اقدامات ضدایرانی نمادین خود، رضا پهلوی را که هنوز در سودای عجیب تاج‌وتخت سلطنت بر ایران به سر می‌برد، به مراسم رسمی سفارت این جمهوری در واشنگتن به مناسبت یک‌صدسالگی اعلام موجودیت "جمهوری دموکراتیک آذربایجان" در سال ۱۹۱۸ و نیز سالروز تأسیس نیروهای مسلح جمهوری کنونی آذربایجان، دعوت کرد. مطابق رویه نادرست معمول، تهران به این اقدام ایران‌ستیزانه باکو نیز اعتنا و اعتراضی نکرد و ظاهراً باز هم تهران به شیطنت باکو به‌دیده اغماض نگریست. اما، یادآوری برخی نکات ضروری است:

شیطنت باکو را نباید صرفاً به‌خاطر حقیر و غیرقابل اعتنا بودن میهمان باکو، موضوع بی‌اهمیتی تلقی کرد و تصور نمود که دعوت از "ولیعهد سابق"، صرفاً ناشی از احساس قربابت‌ها میان خانواده علی‌اف و خانواده پهلوی است که مشابهت‌های آنها روز به روز بیشتر می‌شود، در واقع، حرکت باکو، شیطنت و دهن‌کجی حساب‌شده‌ای است که ناشی از اشتباه یا حتی مودی‌گری شخصی الین سلیمان‌اف، سفیر جمهوری آذربایجان در واشنگتن نیست. باید توجه داشت که الین سلیمان‌اف، بیش از آنکه سفیر جمهوری آذربایجان در واشنگتن باشد، عامل و آلت دست سازمان‌های صهیونیست آمریکا و از نوکران دست به‌سینه رژیم صهیونیستی است. کافی است به فهرست میهمانان مراسم‌ها و دیدارهایی که سفیر جمهوری آذربایجان در واشنگتن تدارک می‌بیند، توجه شود تا معلوم شود که آیا الین سلیمان‌اف، سفیر جمهوری آذربایجان است یا پادوی رژیم صهیونیستی و سازمان‌های یهودی - صهیونیست در آمریکا؟ تمامی فکر و ذکر این به‌اصطلاح سفیر جمهوری آذربایجان، برنامه‌ریزی سفرهای مکرر رهبران سازمان‌های یهودی - صهیونیست آمریکا از جمله «ایپک»، «سیمون ویزنتال»، «معبد سینای»، «بنیاد تفاهم قومی» و سایر سازمان‌های صهیونیست آمریکا به جمهوری آذربایجان و دریافت اوامر و دستورات آنها برای به‌اصطلاح ترویج «چندفرهنگ‌گرایی و تساهل» و در واقع حرکت در چارچوب سیاست یهودی‌گرایی و تلاش برای دور کردن مردم جمهوری آذربایجان از اصالت ایرانی و شیعی خود است، بنابراین، به هیچ وجه نباید شک داشت که در دعوت از عنصری همچون رضا پهلوی به مراسم رسمی جمهوری آذربایجان در واشنگتن، عمد و حساب و کتابی در کار نبوده است، بلکه، این اقدام کاملاً به‌طور نمادین و برای نمایش خصومت‌ورزی به ایران و به‌دستور مستقیم صهیونیست‌ها به سفارت جمهوری آذربایجان در واشنگتن صورت گرفته است و به همین علت، تهران نیز باید اقدام یا اعتراضی نمادین در خور این پادویی ضدایرانی سفارت جمهوری آذربایجان در آمریکا از خود بروز می‌داد، نه اینکه با سکوت به باکو بفهماند که می‌تواند این شیطنت‌های صهیونیستی و ضدایرانی را تا هرجا بخواهد ادامه دهد.

دعوت از رضا پهلوی به مراسم یک‌صدسالگی اعلام موجودیت "جمهوری دموکراتیک آذربایجان" که اکنون باکو خود را وارث آن می‌داند و به‌استناد آن دولت مستعجل، عمر خود را دست‌کم به یک‌صد سال افزایش می‌دهد، حاوی این پیام نیز است که باکو به‌توصیه مستشاران صهیونیستی چنین القاء می‌کند که گویی به چنان سطحی از استقرار رسیده است که می‌تواند آشکارا از تمامی عناصر دشمن نظام جمهوری اسلامی ایران حمایت کند. اگر باکو در گذشته برای تجزیه‌طلبان ضدایران و پان‌ترکیست‌های جیره‌خوار پول مصرف می‌کرد و به عناصر گروهک تروریستی منافقین در جمهوری آذربایجان پناهگاه داده بود و به‌انحاء مختلف سعی در توجیه و پنهان‌کاری درباره حمایت از عناصر ضدایران داشت، اکنون باکو با دعوت آشکار از رضا پهلوی به مراسم رسمی خود، حمایت از هر عنصر ضدایرانی را علنی کرده و به آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز پیام می‌دهد که در هر ترامپی ضدایرانی مشارکت خواهد داشت. اکنون باکو به این شیوه قصد دارد بگوید که برای ضربه زدن به ایران حتی حاضر است با بازماندگان رژیم سلطنتی محمد رضا پهلوی نیز همکاری کند، حال آنکه باکو با این اقدام خود، حتی مطالب کتب درسی خود را نادیده می‌گیرد، زیرا، مطالب کتب درسی جمهوری آذربایجان به‌خصوص در بخش‌هایی که به تمجید و تعریف از غائله فرقه دموکرات سید جعفر پیشه‌وری و هتاک‌های علیه دولت وقت ایران به‌خاطر برجیدن این غائله در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ می‌پردازند، مملو از فحاشی به خاندان منحوس پهلوی نیز است. شاید رهبران کنونی باکو بهتر از هرکس دیگری بدانند که اگر فروپاشی شوروی و اعلام موجودیت جمهوری کنونی آذربایجان، مثلاً پانزده سال زودتر و در زمان بقای سلطنت پهلوی در ایران روی می‌داد، اساساً حکومت پهلوی در ایران، جمهوری آذربایجان را به رسمیت نمی‌شناخت، پس چه شده است که باکو بافته‌های ذهنی خود درباره تاریخ و سابقه پهلوی‌ها را کنار می‌گذارد و به‌منظور دهن‌کجی به ایران، از رضا پهلوی نیز کنار عناصر قومیت‌گرا و تجزیه‌طلب ضدایرانی و منافقین، به‌عنوان میهمان افتخاری مهمترین مراسم رسمی خود در خارج از کشور به مناسبت به‌اصطلاح "سال جمهوری خلقی آذربایجان" دعوت به‌عمل می‌آورد؟ آیا جز این است که "تساهل" افراطی مقامات مسئول ایرانی در قبال باکو در سال‌های اخیر، چنین امکانی را برای دهن‌کجی آشکار باکونشینان به ایران فراهم کرده است؟ چنان‌که چندی پیش، روزنامه «ینی مساوات»، ارگان غیررسمی علی‌حسن‌اف، سخنگوی ریاست جمهوری آذربایجان نیز بی‌مهابا نوشت: "زمان احترام گزاردن باکو به ایران سپری شده است!"

باید توجه داشت که این قبیل اقدامات ضدایرانی که باکو با عمدی خاص آنها را نمایش گونه نیز اجرا می‌کند، به یک یا چند مورد خلاصه نمی‌شود. جالب است که توجه شود اخیراً اتحادیه نویسندگان جمهوری آذربایجان، یعنی یکی از مراکز اصلی تولید افکار و جعلیات ذهنی باکو، مراسمی با عنوان «سلام به آذربایجان جنوبی» (نام جعلی رایج در جمهوری آذربایجان برای معرفی مناطق آذری‌نشین ایران) برای تجلیل از یکی از مبلغان قومیت‌گرایی و تجزیه‌طلبی ضدایرانی در آذربایجان برگزار کرد. مراسم «سلام به آذربایجان جنوبی» در شهر «نفتچاله» با همکاری اتحادیه نویسندگان جمهوری آذربایجان و فرمانداری «نفتچاله» و برای تجلیل از به اصطلاح خلاقیت ادبی «سایماناروز»، عنصر تجزیه‌طلبی که هم‌اکنون رییس بخش به اصطلاح «ادبیات آذربایجان جنوبی» در اتحادیه نویسندگان جمهوری آذربایجان است، برگزار شد. در این مراسم، ضمن قرائت و نمایش جعلیاتی در ضدیت با ایران و تبلیغ و تحریک تجزیه‌طلبی و قومیت‌گرایی ضدایرانی، روح‌انگیز اشرف‌قیزی، عضو اتحادیه نویسندگان جمهوری آذربایجان و مجری این مراسم، درباره رمان «یکصد سال انقلاب» اثر **سایماناروز** گفت: «سید، قهرمان اصلی این رمان در زندان تبریز با معشوقه دوران کودکی خود، راضیه روبه‌رو می‌شود. راضیه از مبارزان راه «آزادی ملی آذربایجان جنوبی» است. به علت اینکه سید مأمور زندان است، شکنجه راضیه را در زندان به او محول کرده‌اند! پس از دیدار سید با راضیه، عشق دوران کودکی مجدداً در او شعله‌ور می‌شود. قلب سید که بر اثر دروغ‌های نظام مذهبی سنگدل شده است، با دیدن راضیه نرم می‌شود. سید از قواعد نظام مذهبی و خواسته‌های رژیم تبعیت نمی‌کند. او فرمان قلب خود را اطاعت می‌کند و تصمیم می‌گیرد با انتخاب راضیه، کنار انسان‌هایی باشد که برای آزادی ملی مبارزه می‌کنند!!»، نکته جالب توجه این است که اتحادیه نویسندگان باکو این مراسم ضدایرانی را در شهر «نفتچاله» در جنوب جمهوری آذربایجان، یعنی همان محلی که جمهوری اسلامی ایران برای ژست گرفتن و عکس تبلیغاتی الهام‌علی‌اف در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان، کارخانه مونتاژ خودرو دایر کرد و علی‌اف نیز برای تکمیل بهره‌برداری خود از این خدمت «ایران خودرو»، خودروی تولیدشده در آن را به نام «خزر»، قومی یهودی‌شده که به ناحق نامش به‌روی دریاچه شمال ایران نیز به‌خاطر تساهل و سهل‌انگاری‌های خودمان گذاشته شده است، نام‌گذاری کرد!

از دیگر شیطنت‌های نمادین باکو در همین برهه اخیر، سفر احمد اوبالی، رییس شبکه ماهواره‌ای ضدایرانی «گون‌آذ تی‌وی» به باکو بود. این شبکه برای تبلیغ **تجزیه‌طلبی** و نفرت‌پرانی میان آذری‌ها علیه ایران، پخش می‌شود و در سفر گرداننده آن به باکو، از کتاب مجموعه جعلیاتی به نام «اورمو» (نام جعلی پان‌ترکیست‌ها برای ارومیه) رونمایی شد و این عنصر نفرت‌پراکن با شماری از دست‌اندرکاران رسانه‌های باکو به‌گفتگو نشست. پایگاه اینترنتی «ینی مساوات» در این باره خبر داد که احمد اوبالی میهمان گروه رسانه‌ای «ینی مساوات» شد و به همراه «آراز اوبالی»، مدیر استودیوی شبکه «گون‌آذ تی‌وی» در باکو، به تحریریه گروه رسانه‌ای «ینی مساوات» آمد و درباره نحوه شکل‌گیری «افسانه گون‌آذ تی‌وی» و وضعیت آذربایجانی‌ها در آمریکا و سایر موضوعات سخن گفت و از اینکه این شبکه معاند ایران در باکو استودیو دارد و برای نفرت‌پرانی ضد ایران در جمهوری آذربایجان برنامه تلویزیونی تولید می‌کند و با نمایندگان مجلس و فعالان حزبی و سیاسی باکو ارتباط‌های زنده برقرار می‌کند، اظهار خوشحالی کرد. همین عنصر نفرت‌پراکن قومیت‌گرا در گفتگو با رسانه‌های باکو، برنامه‌های صداوسیما ایران در استان‌های آذری‌نشین را به تمسخر گرفت و زبان آذری رایج در ایران را «فاذری» نامید و خواستار شد که لهجه باکوئی میان آذری‌های ایران نیز رایج شود!

البته، کنار شیطنت‌های نمادین باکو در خصومت‌ورزی علیه ایران، مسایل و موضوعات بنیادین و حساس و امنیتی در روابط جمهوری آذربایجان با ایران وجود دارد که در سال‌های اخیر، حساسیت‌ها در قبال آنها به‌شدت به خشکی گراییده است. جمهوری آذربایجان در واقع به پایگاهی نظامی و انباری برای تسلیحات رژیم صهیونیستی تبدیل شده است که لاابالی‌گری سیاسی مانع از توجه به این خطر بزرگ برای امنیت ایران شده است. باکو با مشاهده این وضعیت، حتی وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران را برای تماشا و تحسین تسلیحات خریداری‌شده از رژیم صهیونیستی در مراسم رژه به اصطلاح سالروز تأسیس نیروهای مسلح جمهوری آذربایجان به باکو دعوت کرده است! در چارچوب همین فریبکاری هماهنگ‌شده با رژیم صهیونیستی، رسانه‌های باکو خبر داده‌اند که آویگدور لیبرمن، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی که باکو همواره از وی با عنوان «دوست آذربایجان» یاد می‌کند، سفر خود به باکو برای حضور در مراسم رژه ۲۶ ژوئن را به‌خاطر احتمال حضور امیر حاتمی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران در این مراسم لغو کرده است. مقامات و رسانه‌های باکو به این ترتیب تلاش کرده‌اند مقام ایرانی دعوت‌شده به رژه معلوم الحال ارتش جمهوری آذربایجان به قطعی کردن حضور خود در این مراسم تشویق کنند.

کوتاه سخن اینکه، اگر دست‌اندرکاران سیاست ایران در قبال جمهوری آذربایجان، به کرختی، سهل‌انگاری و «تساهل‌ورزی» خود در قبال باکو تداوم بخشند، باید منتظر روزی باشیم که صهیونیست‌های باکونشین ضربات سیاسی ناگهانی، پیش‌بینی‌نشده و زیانبارتری را به ایران وارد کنند که خدای ناکرده، امکان و فرصت جبران آنها بسیار محدود باشد یا اصلاً امکانی برای جبران وجود نداشته باشد.

منبع: تسنیم